



## مسوئالت

### رو ز سایه، آفتابی را بیاب

به حکم آموزه‌های برتر و رهنمودهای متعالی‌تر، هم به شهادت تاریخ و گواهی سرگذشت عارفان نامدار روزگار، مکتب اهل بیت (ع) را باید سرآمد همه مکاتب دینی و غیر دینی در تمامی زوایا و ابعاد وجودی و معرفتی و انسانی، از جمله در قلمرو عرفان برشمرد. هیچ مذهب و آیینی به اندازه مکتب معصومین (ع) الفبای عرفان و سیر و سلوک عرفانی را با دقت و صراحت هر چه تمام و لطافت و ظرافت هر چه رسا ترسیم نکرده است. عرفان ناب در این نگاه به معرفت الهی می‌انجامد؛ معرفتی که جز از طریق شناخت اولیای الهی و پیروی از آنان امکان‌پذیر نمی‌گردد. اولیای الهی در حقیقت سایه‌ای از وجود نورانی خداوند هستند که بدون تمسک و توسل به آنان نمی‌توان به خداوند رسید.

کیف مد الظل نقش اولیاست  
کو دلیل نور خورشید خداست  
اندر این وادی مشو با این دلیل  
لا احب الالفین گو چون خلیل  
رو ز سایه آفتابی را بیاب  
دامن شاه ولایت را بتاب

مهم این است که تبیین خط مشی عرفانی همچنین راهبری سلوک عرفانی از شوون و اختیارات پیشوای معصوم است که خود به هدایت الهی هدایت یافته است و هیچ کس هم‌اورد و هم رتبه او در مقامات عرفانی پیدا نمی‌شود. عالمان ربانی که رشحاتی از عرفان الهی را درک کرده‌اند، همه شاگردان مکتب پیشوایان معصوم به شمار می‌روند. بدیهی است حقیقت عرفان چیزی جز معرفت خداوند و اولیای او و وصال به مقام قرب الهی نیست. بدین ترتیب، عارف حقیقی کسی است که به خدا فرا می‌خواند و نه به خود. به عکس، عارف‌نما کسی است که براساس کیش شخصیت خود دیگران را به جانب خویش فرا می‌خواند و خود را معبود دیگران برمی‌شمارد. عارف حقیقی از خدا سخن می‌گوید و کسانی که به او گوش فراداده و دل می‌سپرنند، خدا را می‌پرستند. این در حالی است که عارف‌نما از زبان ابلیس سخن می‌گوید و کسانی که به او گوش و دل می‌سپرنند در واقع ابلیس را پرستش می‌کنند. این مضمون فرمایش امام محمد باقر (ع)

است که فرمود: «من أصفى الى ناطق فقد رعبه فان كان الناطق ينطق عن الله فقد عبد الله و ان كان الناطق ينطق عن ابليس فقد عبد ابليس» ببینید ابلیس چگونه به تلبیس خلق خدا مشغول است و مراد و مرید را به گمراهی وا می‌دارد. «ضعف الطالب و المطلوب»؛ خواهان و خواسته شده هر دو ناتوانند. عارف‌نمایان عموماً از حماقت و سادگی مریدان خویش سوء استفاده کرده، ذهن و روان آنان را آنچنان می‌پیمایند که هر سرابی را حقیقت و هر دروغی را راست و هر انحرافی را عین رشد و هدایت بدانند. این جاست که مریدان ذلیلانه به گرد وجود مراد خویش می‌چرخند و از او که از همه گمراه‌تر است تمنای هدایت و رشد دارند! او کسی است که چه بسا این خیل سرگشته را به هر کاری که اراده کند وا دارد. کدام انسان هوشیاری است که به نادانی و سرگشتگی مریدان حکم نکند که به همراه مراد نادان‌تر از خودشان به قصد زیارت حضرت ثامن الحجج (ع) به مشهد می‌روند اما با گذشت چند روز اقامت در شهر مقدس از طرف مراد خود اجازه نمی‌یابند به حرم مشرف شوند، بلکه فقط در محل اقامت باید امام (ع) را زیارت کنند، چرا که مراد واسطه فیض میان امام و مریدان خود است و وانمود می‌کند که امام چنین اراده فرموده‌اند؟! مریدان هم تسلیم محض این مرادند! کدام خردمند دوران‌دیش است که به سالوس بازی عارف‌نمایی پی نبرد که مریدان جوان خود را پسران و دختران خود می‌شناسد و هنگام به اصطلاح وصال معنوی، و از خود بیخود شدن و از حال رفتن مریدانش برخیزد و بر سینه و صورت آنان دست کشد تا به حالت عادی برگردند؟! چگونه می‌توان باور کرد کسی خود را باب و نماینده حضرت ولی عصر (عج) بداند و با وجود این، از سادگی مریدان خود سوء استفاده کند و به آنان خیانت ورزد؟! این‌ها و نمونه‌های فراوانی شبیه آن، از عارف‌نمایان نیرنگ بازی سر می‌زند که اعتبار و گرمی بازار مکارانه خویش را وامدار هواداران ساده لوح خود می‌باشند. محافل اینان بهترین جولانگاه شیطان و سپاه شیطان است و کسی جز دشمنان اسلام و نظام و امت اسلامی از این محافل طرفی نمی‌بندند. صاحب نظران و قلم یاران فرهنگ پویا بر آن شد تا در این شماره از فصل‌نامه به روشنگری پرداخته، صف عارف‌نمایان را از عرفان ناب و عارفان حقیقی متمایز کنند.

مدیر مسؤول